

بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و روانی مؤثر بر ناسازگاری زنانشویی در شوستر در سال 1389

خیام عباسی¹
فرهنگ ارشاد²

چکیده

این پژوهش با رویکرد پیمایش به پایان رسیده و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه محقق ساخت و بسته جمع آوری شده است. افراد نمونه نیز باروش نمونه گیری احتمالی خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شده اند. براساس طبقه بندی، از میان مناطق شهر شوستر، چند منطقه با روش تصادفی و از هر منطقه نیز چند بلوک مجدداً براساس تصادف برگزیده شدند. آنگاه افراد نمونه به صورت تصادفی سیستماتیک با رعایت فاصله منظم بین منازل (فاصله 5 واحدی) انتخاب و مورد پرسش قرار گرفتند. برای انتخاب حجم نمونه از جدول لین استفاده شده که در سطح اطمینان 95 درصد و 0/05 خطای نمونه گیری، 453 نفر به پرسشنامه جواب دادند. در این پژوهش 9 فرضیه به آزمون گذاشته شدند که با توجه به آنالیز اطلاعات به دست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS و رگرسیون دو متغیره و چندمتغیره، مشخص شد که بین متغیرهای مستقل رضایتمندی شغلی و برون گرایی، با ناسازگاری زنانشویی (متغیر وابسته) ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین بین میزان نوگرایی، شیوه جامعه پذیری دموکراتیک، میزان تقدیرگرایی، میزان عام گرایی، بهزیستی روانی و میزان تعلق دینی با متغیر وابسته ارتباط معنادار و معکوس مشاهده شده است. در پایان، راهکارهایی برای تقلیل این آسیب اجتماعی در شهرستان شوستر ارائه شده است.

واژه های کلیدی:

ناسازگاری، ناسازگاری زنانشویی، شوستر، عوامل فرهنگی - اجتماعی

¹-دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوستر، گروه علوم اجتماعی، شوستر، ایران (Abbasi.khayyam@yahoo.com)

²- دانشگاه چمران - گروه جامعه شناسی - اهواز - ایران

مقدمه

خانواده را مؤسسه یا نهاد اجتماعی معرفی کرده‌اند که از پیوند زناشویی زن و مرد حاصل آمده و در آن اعضای خانواده بر اساس همزیستی مسالمت‌آمیز، انس و تفاهم، مشارکت و تعاون زندگی می‌کنند (کوئن، 1376: 186). از جمله مظاهر زندگی اجتماعی انسان، وجود تعامل‌های سالم و سازنده میان انسان‌ها، و عشق به هم‌نوع و ابراز صمیمیت و همدلی به یکدیگر است، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان با مطالعه ابعاد پیچیده رفتار انسان و دنیای روانی و اجتماعی او برای همزیستی و دستیابی به سلامت تن و روان، راهبردهایی ارائه می‌دهند تا رسیدن به زندگی توأم با آسایش برای آدمیان امکان‌پذیر گردد (ارونسون، 12، 1373). رضایت زناشویی یکی از عوامل مؤثر در ثبات و پایداری خانواده‌ها و در عین حال بهداشت روانی همسران و فرزندان است. در روابط زناشویی عوامل متعددی باعث رضایت همسران از یکدیگر می‌شود. سلامت فیزیکی و عاطفی و بهداشت روانی افراد در جامعه، در گرو سلامت روابط زناشویی و تداوم و بقای ازدواج است. رضایت فرد از زندگی زناشویی به منزله‌ی رضایتش از خانواده و رضایت از خانواده به معنای رضایت از زندگی است و در نتیجه تسهیل در رشد و تعالی و تکامل مادی و غیرمادی جامعه را به دنبال خواهد داشت (ویلیام، جی. گود، 19، 1360). با این توصیف، مسأله‌شایان بررسی این است که چرا زوجین در زندگی مشترک دچار نارضایتی می‌شوند؟ و چه عللی می‌تواند بر رضایت‌مندی آنان تأثیر بگذارد؟

بیان مسأله

از منظر جامعه‌شناختی، نیزبیت معقود است [...] در جامعه‌ی جدید تأکید بر ارزشهای فردگرایانه، باعث شده از یک سو جامعه رو به سوی پیشرفت و توسعه برود، اما از سوی دیگر تبعاتی مانند خودکشی، طلاق، انزوای فردی و بریدگی او از پیوندهای اجتماعی مانند: خانواده، خویشاوندان، گروه دوستان، هم‌مسلمانان و هم‌دینان و اعتیاد، از خود بیگانگی و بسیاری دیگر از مشکلات و مسائل اجتماعی را در برداشته باشد (مرتن و نیزبیت، 1971).

خانواده نظامی اجتماعی و طبیعی است با ویژگی‌های خاص. پس از ازدواج، همسران انتظار دارند خانواده جدید موجبات رضایت‌مندی‌شان را فراهم آورد؛ هر کدام می‌کوشند این واحد را در راستای مطلوب خود سازمان دهند و دیگری را برای همسازی

با خود تحت فشار بگذارند (مینوچین، 1380). بروز رفتارهای مقبول از سوی همسر می‌تواند روابط دوتایی را شکل دهد و زمینه را برای برقراری تفاهم ایجاد کند. رضایت زناشویی یک ارزیابی کلی از وضع فعلی ارتباط ارائه می‌دهد (احمدی، 1382، 70). پدید آمدن اختلاف و تعارض بین زن و شوهر طبیعی است؛ و به دلیل ماهیت روابط متقابل همسران، بدیهی است که اختلاف دیدگاه روی دهد یا نیازها برآورده نشوند و در نتیجه همسران نسبت به یکدیگر احساس خشم، ناامیدی و ناخشنودی کنند. بعضی از موضوع‌های شناخته شده‌ای که می‌تواند پدید آورنده اختلاف‌های زناشویی باشد چنین است: پول، روابط جنسی، روابط خویشاوندی، دوستان، فرزندان، خیانت جنسی، مشکلات عاطفی، مشکلات مالی، مشکلات ارتباطی (گفت و شنود)، درگیری‌های کاری و... (ثنایی و ذاکر، 1387، 138-132).

مرور جدیدترین آمار ثبت احوال کشور در ایران هم نشان می‌دهد میزان طلاق در پنج سال گذشته 37 درصد رشد داشته و بیشترین آنها مربوط به زوج‌های زیر سی سال است. براساس آمار منتشر شده از سوی سازمان ثبت احوال کشور، آمار طلاق کشور در سال 1384 برابر 84 هزار واقعه بوده که در سال 1389 به 137 هزار و 200 واقعه رسیده است. این آمار نشان می‌دهد طلاق در طول پنج سال بیش از 53 هزار مورد افزایش پیدا کرده که دلایل آن از سوی کارشناسان متفاوت اعلام می‌شود. روند بررسی آمار طلاق به شکل ساده بیانگر این است که 84 هزار طلاق در سال 1384 به 94 هزار مورد در سال 1385 رسیده است. همچنین این آمار به 99 هزار و 852 واقعه در سال 1386 تبدیل شده و در سال 1387 تا 110 هزار و 510 واقعه بالغ شده است که نشان از افزایش 11 درصدی دارد. سیر صعودی طلاق در سال 1389 به 137 هزار و 200 مورد افزایش یافته و رکورد عجیبی به جای می‌گذارد. در واقع طلاق در طول این پنج سال 37/59 درصد رشد مثبت داشته است (سایت اداره ثبت احوال کشور، 19 تیر 1390). مشاهدات ما به علاوه آمار موجود در ادارات متولی امور خانواده در شهرستان شوشتر، نشان می‌دهند که میزان ناسازگاری زناشویی از حد بهنجار خود فراتر رفته و نیازمند مطالعه است. به عنوان نمونه، آمار مراجعه کنندگان به دادگاهها، شورای حل اختلاف و مصاحبه اکتشافی محقق نشان می‌دهند که میزان ناسازگاری روبه افزایش است و انتخاب ویکردی «مسأله محور» و علمی - دست کم برای مهار این افزایش - بسیار ضروری است.

پیشینه تحقیقات خارجی

در سال 1954 شنگ و یامورا در مطالعه‌ای درباره زناشویی میان نژادهای گوناگون و پدیده طلاق در هاوایی، نشان دادند که هر قدر پیوندهای قومی و فرهنگی میان زن و شوهر سخت‌تر باشند، خطر جدایی به مراتب در میان ایشان کمتر است (ساروخانی، 1381، 40).

تحقیقی را نیز مطالعات اداره بهداشت عمومی آمریکا در سال 1980 بر روی 2500 زوج آمریکایی انجام داد. نتایج تحقیق نشان داد که بین سلامت روانی و رضایت و سازگاری زناشویی، ارتباط معناداری وجود دارد. افراد متأهل در خانواده‌های سازگار، در مقایسه با افراد متأهل در خانواده‌های دارای مشکل در وضعیت بهتری از وضعیت سلامت روانی قرار دارند. نشانه‌های نوروپاتی در مقایسه، کمتر در آنها دیده می‌شود و درصد کمتری از آنها در بیمارستان‌های روانی بستری‌اند. همین سازگاری و رضایت یعنی ایجاد اخلاق، خانواده را بین دیگر نهادهای اجتماعی، ناهمانند و منحصر به فرد ساخته است (فصیحی، 1376).

ویلسون و فیلسینگر (1996)، ارتباط سازگاری و رضایت زناشویی و مذهب در آمریکا را مورد مطالعه قرار داده و از نمونه‌ای مرکب از 190 زوج متأهل استفاده کردند. نتایج نشان دادند که سازگاری زناشویی با اندازه تعصب مذهبی ارتباط دارد و تعصب مذهبی بر تمام جنبه‌های سازگاری زناشویی (به غیر از ابراز احساسات و عاطفه نسبت به یکدیگر) تأثیر می‌گذارد. در مطالعات ویلسون و فیلسینگر عوامل دیگر (مثل پاداش‌های اقتصادی- اجتماعی، سالهای زندگی مشترک و تعداد فرزند) نقش کمتری نسبت به مذهب داشتند. آنها اعتقاد دارند که اگر سازگاری زناشویی یک فرایند از سازگاری یا تطابق است، پس مذهب ممکن است این سازگاری را آسان کند. مذهب همچنین ممکن است یک منبع قوی و معتبر برای ارتباطات باشد.

وینچ و همکارانش (2001) براساس ویژگی‌های مکمل و نه مشابه، لیستی از 12 نیاز اصلی و خصوصیت روانی ساختند که امکان انتخاب همسر مناسب را با توجه به خصوصیات روانی هر فرد توصیه می‌کرد: به عنوان مثال اگر شوهر متمایل به فرماندهی باشد، بهتر است زنی را انتخاب کند که دارای خصلتی مطیع‌گرایانه باشد و یا اگر یکی از زوجین عصبی، حساس و پرخاشگر باشند، دیگری آرام و متعادل باشد، و الا احتمال

برخورد بیشتر و نارضایتی و شکنندگی وجود دارد و احتمال ناسازگاری زوجین در صورت ازدواج دو فرد عصبی با یکدیگر بیشتر خواهد بود.

اسپانیر و همکارانش (2005) درباره نقش عامل زمان در رضایت زناشویی تحقیقی در آمریکا انجام داده و به این نتیجه رسیدند که هر چه که یک زوج، مدت طولانی‌تری باهم زندگی کرده باشند تمایل به رضایت از ازدواجشان بیشتر است و از آنجایی که احتمال طلاق با افزایش طول ازدواج به صفر می‌رسد، حتی زوجهای ناراضی به احتمال کمتری طلاق را به عنوان یک جانشین در نظر می‌گیرند.

تحقیقات داخلی

صدق‌آمیز (1376)، عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی را در میان 577 نفر از شهروندان شیرازی مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش سن ازدواج، تعداد فرزندان، تفاوت سنی زوجین، تحصیلات همسران، منزلت شغلی مرد، اشتغال زن، ازدواج مجدد زوجین، نحوه آشنایی با همسر و نسبت خویشاوندی با سازگاری زناشویی رابطه معناداری به دست داده‌اند.

شعرباف (1379)، در تحقیقی با عنوان مقایسه ویژگی‌های شخصیتی زنان متأهل و شاغل و خانه‌دار شهرستان مشهد و ارتباط این ویژگی‌ها با رضایتمندی زناشویی به این نتیجه دست یافت که بین تعدادی از ویژگی‌های شخصیتی و رضایتمندی زنان شاغل و خانه دار ارتباط مثبت وجود دارد و در بین رضایتمندی زناشویی افراد شاغل و خانه دار تفاوتی مشاهده نشده است.

پژوهش «بررسی رابطه‌ی سازگاری با بهزیستی روانی دانشجویان متأهل دانشگاه الزهرا» نیز توسط درویزه و کهکی (1387) به پایان رسیده و جامعه‌ای آماری آن 201 نفر از دانشجویان زن متأهل این دانشگاه را شامل شد که به صورت نمونه در دسترس انتخاب شده بودند. برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش، از پرسشنامه آزمون‌های سازگاری زناشویی (دو نفره) اسپانیر و بهزیستی روان‌شناختی، و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شده و جز خرده‌مقیاس معنویت، که فقط با خرده‌مقیاس همبستگی دو نفره رابطه‌ی معنادار داشته، نتایج، نشانگر رابطه‌ی معنادار بین خرده‌مقیاس‌های بهزیستی روانی و خرده‌مقیاس‌های سازگاری زناشویی بوده‌اند. مدت زمان ازدواج و سازگاری زناشویی، 206/0 از تغییرات بهزیستی روانی را پیش‌بینی کرده است.

«بررسی وضعیت ازدواج و سازگاری زناشویی در بین کارکنان سپاه» را احمدی، آزاد مرزآبادی و ملازمانی در سال 1382 به اتمام رسانده‌اند. هدف تحقیق، "بررسی وضعیت ازدواج و سازگاری زناشویی در بین کارکنان سپاه و شناخت وضعیت سازگاری زناشویی و میزان شیوع ناسازگاری" در بین آنها عنوان شده است. تعداد 900 زوج از بین کارکنان سپاه شهر تهران با استفاده از روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. روش پژوهش، توصیفی- زمینه یابی و ابزار مورد استفاده در پژوهش عبارت بوده اند از: آزمون رضایت زناشویی انریچ، پرسشنامه اطلاعات جمعیت‌شناختی و اطلاعات ازدواج. نتایج حاصل از تحقیق نشان داده 10/2 درصد از مردان و 19/7 درصد از زنان از زندگی زناشویی خود ناراضی هستند و 51/4 درصد از مردان و 49/7 درصد از زنان گاهی راضی و گاهی ناراضی‌اند. بیشترین میزان ناسازگاری در بین آنها در زمینه توانایی حل تعارض و روابط جنسی به دست آمده است.

«بررسی میزان رضایت زناشویی در ازدواجهای دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد و دولتی اصفهان» را سادات و همایی در سال 1385 به پایان رسانده‌اند. بدین منظور علاوه بر سؤال اصلی پژوهش درباره ی میزان رضایت زناشویی در ازدواجهای دانشجویی، به چهار سؤال دیگر براساس متغیرهای سن، مدت ازدواج و رشته تحصیلی پاسخ داده شده است. روش پژوهش توصیفی و جامعه آماری شامل کلیه ازدواجهای دانشجویی در دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد و دانشگاه دولتی اصفهان و گروه نمونه شامل 175 زوج ازدواج دانشجویی بوده که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. نتایج نشان داده که، زوجهای ازدواج دانشجویی در کلیه مؤلفه‌های رضایت زناشویی، رضایت دارند. تفاوتی بین میزان رضایت زناشویی ازدواجهای دانشجویی در دو دانشگاه اصفهان و آزاد اسلامی شهرکرد وجود نداشت. در میزان رضایت زناشویی به تفکیک رشته تحصیلی و مدت ازدواج در ازدواجهای دانشجویی در دانشگاههای اسلامی شهرکرد تفاوت معناداری دیده شده است.

چارچوب نظری تحقیق

بدیهی است که پدیده‌ی "ناسازگاری زناشویی" و عوامل مرتبط با آن را نمی‌توان با اتکا به یک تئوری تبیین کرد. بنابراین در اینجا از رهیافت ترکیبی جامعه‌شناسی- روان شناختی بهره می‌گیریم. به باور بسیاری از نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی، بعضی از

موضوعات شناخته شده‌ای که می‌توانند پدیدآورنده اختلاف‌های زناشویی باشند، چنین است: پول، روابط جنسی، روابط خویشاوندی، دوستان، فرزندان، خیانت جنسی، مشکلات عاطفی، مشکلات ارتباطی (گفت و شنود)، درگیری‌های شغلی و مانند اینها (ثنایی و ذاکر، 1387، 132).

در دیدگاه کارکردگرایانه، خانواده دارای کارکردهای مختلف است. به زعم پارسونز، باید بین نقش زن و مرد (هرکدام بر اساس قابلیت خود) تفکیک قائل شد تا حالت تعادل حفظ و مانع از مختل شدن جریان زندگی شود. خانواده نظامی فرهنگی است که تشکیل و بقای آن در گرو ازدواج زن و مرد با یکدیگر است. از آنجایی که افراد دارای ایده‌ها، ارزشها، اعتقادات، باورها و آداب و رسوم هستند، خود را با هنجارهای اجتماعی تطبیق می‌دهند و تعارضها و نارضایتی‌ها را به حداقل می‌رسانند. این سخن را می‌توان به طور عام‌تر به میزان عام‌گرایی که یکی از متغیرهای الگویی در نظام کنش پارسونز و نقطه مقابل خاص‌گرایی است، مطرح کرد. به عبارتی بقای سیستم خانواده مستلزم کارکرد حفظ یکپارچگی است. این کارکرد متضمن قوانین حاکم بر کنشگران (زن و مرد) / سیستم اجتماعی و هماهنگ کردن آنها با یکدیگر در خصوص عملکرد صحیح سیستم است. یکی دیگر از الزامات کارکردی پارسونز نهفتگی است که مشتمل بر دو مسأله است: کنترل تنش‌ها (تنش‌ها و فشارهای درونی کنشگران) و حفظ الگو (نشان دادن رفتار مناسب). در سیستم اجتماعی خانواده زن و مرد باید بتوانند ناکامی‌ها و سایر فشارهای روحی خویش را توسط راه حل‌ها و سازوکارهای اخلاقی به حداقل برسانند (تیم دیلینی، 1387، 386) (فرضیه سوم پژوهش).

در دیدگاه کنش متقابل نمادین، هدف اصلی زناشویی و ازدواج، شکل دادن حقوقی و رسمیت دادن به محرکات غریزی است که بنیان آن به شمار می‌رود (توسلی 1374:279). از آنجایی که زندگی مرکب از کنش و واکنش اعضای جامعه است که با یکدیگر ارتباط نمادی دارند، کنش متقابل نمادی بر این اصل اساسی استوار است که کنشگران اعمال یکدیگر را تعبیر و تفسیر می‌کنند و پاسخ آنان مبتنی بر معنایی است که به آن عمل نسبت می‌دهند. یعنی ازدواج با توجه به معنایی که در جامعه پیدا کرده پاسخ افراد نسبت به نیاز غریزی و معنایی است که در زندگی اجتماعی دارند. بر اساس فرضیه ششم پژوهش که میزان انعطاف‌پذیری زن و مرد در خانواده را با سطح ناسازگاری زناشویی مرتبط می‌داند، زن و مرد به عنوان کنشگران خانواده، باید نسبت به اصول و

تفکرات و باورهای طرفین از انعطاف و سازگاری مناسبی برخوردار باشند تا سطح تعارضات کاهش یابد. با تکیه بر تئوری کنش متقابل نمادی، انسان‌ها با افزایش سطح انعطاف‌پذیری خود می‌توانند با "من مفعولی" خویش که وجه قضاوت‌کننده و کنترل‌کننده است بر "من فاعلی" که وجه خلاق و خیالی "خود" است، غالب شوند و در پی انطباق برآیند. "مید" معتقد است: کنشگران با تلاش فکری خلاقانه و در نظر گرفتن دایره‌ی ارزشهای جامعه در پی اخلاقی کردن امور هستند. احساس کردن متضمن نگرش و نوعی کردار است که با تعهد قلبی همراه است و تعهد به دنبال انتخاب می‌آید. به عبارتی وقتی زن و مرد به صورت اخلاقی اقدام به حل مسائل و تعارضات خویش می‌کنند، با نگرشی سخاوتمندانه مدارا و مسامحه دارند و با بهره‌گیری از هوش فکورانه سعی در کنترل رفتار خود داشته، در این صورت می‌توانند فرایند تکامل را در جهت دستیابی به شرایط اجتماعی خانوادگی بهتر برقراری رابطه‌ی کارآمدتر تسریع کنند (فرضیه ششم).

تئوری مبادله، به رفتار عقلانی به معنای حداکثر رساندن پاداشها و به حداقل رساندن هزینه‌ها و نوع ارزشها و استانداردهای حاکم بر جامعه اشارت دارد. از آنجایی که ازدواج نوعی اعتبار برای زن و مرد است، در همسرگزینی نیز اعتبار (پاداش) ناشی از ازدواج میان زن و مرد با یکدیگر مبادله می‌شوند. برای زنان اعتبار است که با مردی ازدواج کنند که دارای ثروت، خانه، تحصیلات و... باشد و برای مردان ازدواج مبادله است تا زن زیبا، همسر و مادر خوب برای فرزندانش و... بدست آورند. در واقع بدست آوردن اینها برای‌شان نوعی رضایت ایجاد می‌کند (عزازی 42:1388) (فرضیه اول پژوهش). در بحث رضایتمندی شغلی و میزان ناسازگاری زناشویی در خانواده، هومنز "معتقد است که زمانی که افراد دریابند که استثمار می‌شوند یا برخوردی ناعادلانه با آنان صورت می‌گیرد (چون موجودی حسابگر هستند)، دست به محاسبه عقلانی خوشی‌ها و رنج‌ها می‌زنند و همواره سعی می‌کنند به حداکثر سود و حداقل ضرر دست یابند. در غیر این صورت، از بعد روانی تحت فشار قرار گرفته و قضیه "سرخوردگی-پرخاشگری" پیش می‌آید. اصل عدالت توزیعی در همین مورد به کار می‌رود. غالباً افرادی که رضایتمندی شغلی ندارند و پاداشهای یکسانی کسب نمی‌کنند دچار سرخوردگی می‌شوند و احتمالاً رفتاری هیجانی از خود نشان می‌دهند که دال بر عصبانیت آنهاست و این پرخاشگری زمینه‌ای مساعدی را برای نارضایتی زناشویی فراهم می‌آورد.

در جوامع جدید برخلاف دنیای سنتی، فرد کنترل بسیاری از عوامل مؤثر در زندگی خویش را از دست داده و نهادهای بیرونی، کنترل فرد و زندگی او را به دست گرفته‌اند. "مارکس" در مکتب تضاد، با تکیه بر مفهوم "از خودبیگانگی" بر آن است که به موازات رشد نیروهای تولیدی به ویژه در عصر سرمایه‌داری، فرد کنترل وضع و حال زندگی خویش را به تأثیرات پرقدرت‌تر ماشین و بازارها تسلیم می‌کند. بنابراین، هرچه نظام‌های اجتماعی جدید گسترده‌تر می‌شوند، فرد از اختیارات خود بیشتر محروم می‌گردد و در نهایت امر، فرد انسانی صرفاً به صورت ذره‌ای ناچیز در میان انبوه عظیمی از ذرات دیگر حضور خواهد داشت (فرضیه اول).

جامعه‌شناسی، در مورد فلسفه‌ی روشنگری معتقد است که صنعتی شدن و علم، امکان خلق جامعه‌ای عقلانی‌تر، انسانی‌تر و دموکراتیک‌تر را فراهم ساخته‌اند. در آثار "وبر"، مدرنیته از نظر جامعه‌شناسی در تفاوت‌های ساختاری جامعه و فرهنگ - عرصه‌ای ارزشی - ریشه دارد که به استقلال نهادها و عمل می‌انجامد. بر اساس برداشت وبر، مفهوم کنش متقابل ذهنی بیانگر نقش فزاینده‌ی عامل یا کارگزار است. از این‌رو مدرنیته متضمن و بیانگر نوعی اراده‌گرایی، انتخاب و هدفمندی فزاینده می‌باشد (نوذری 1379:459) و با جوامعی که در بافت اجتماعی خود، (سنت) نقشی اساسی در پیوند بین کنش و چارچوب‌های وجودی ایفا می‌کند، در تعارض است. در جوامعی که روش‌های عملیاتی سنتی حکم‌فرماست، زندگی طیف پهناوری از "روش‌های مرسوم" را به آینده می‌کشاند. زمان تهی نیست و نوعی "شیوه‌ی هستی" قاطع و بی‌چون و چرا آینده را به گذشته متصل می‌سازد. افزون بر این، سنت مفهوم خاصی از تقدیرگرایی و قوام امور به وجود می‌آورد که به‌طور معمول عناصر شناختی و اخلاقی را در هم می‌آمیزد. دنیا چنین است که هست، چون عملاً همان‌طور است که باید باشد (فرضیه هشتم پژوهش).

یکی دیگر از ابعاد جامعه‌مدرن، در عرصه سیاسی تمایل به دموکراسی در جوامع بشری است. این تمایل، علاوه بر حوزه‌ی سیاست به دیگر حوزه‌های زندگی انسانی و روابط اجتماعی انسان‌ها نیز قابل تسری است. وجود ارتباط سالم دوطرفه، اعتماد متقابل در روابط، مشارکت جمعی و فقدان خشونت، از ویژگی‌های دموکراسی محسوب می‌شود که با گسترش روند جهانی شدن، روابط و الگوهای خانوادگی را تحت تأثیر قرار داده‌اند، بروز پدیده‌ای به نام «دموکراسی عاطفی» در روابط جدید خانوادگی از نتایج جنبی جهانی شدن است که در آن زندگی خانوادگی و احساسات بر مبنای شاخص‌های

دموکراتیک شکل می‌گیرد و به دموکراتیک شدن روابط اجتماعی در سطوح مختلف منجر می‌شود. نظریه پردازان معتقدند که وجود دموکراسی در روابط خانوادگی به استحکام خانواده در حوزه‌ی خصوصی و در نهایت به استحکام بنیان‌های جامعه‌ای مبتنی بر مشارکت محلی در حوزه‌ی عمومی منجر خواهد شد (گیدنز، 1379:56) (فرضیه چهارم پژوهش).

در سنت مطالعات ناسازگاری زناشویی، پژوهشگران معتقدند که در صورت بروز ناسازگاری، افراد دچار تنش‌ها و فشارهایی می‌شوند که در برابر آنها به صور گوناگون نگرشی و رفتاری عکس العمل نشان می‌دهند. فقدان تطبیق در ابعاد مختلف پایگاه زن و مرد از جمله ثروت، قدرت، منزلت و دانش که بدنبال رشد و گسترش عواملی چون شهرنشینی، تحصیلات و غیره فراهم می‌آید، انتظارات و توقعاتی را به وجود می‌آورد که اجابت آنها از عهده‌ی بسیاری از زوجین خارج است. این وضعیت می‌تواند برای آنان منشأ روحيات منفی روانی نظیر افسردگی، اضطراب و یأس باشد؛ می‌تواند عده‌ای را محافظه‌کار، اقتدارگرا، مخالف با تغییرات و نوگرایی و عده‌ای را دارای گرایش مثبت، منعطف و نوگرا گرداند (فرضیه پنجم ونهم).

درباره‌ی بهزیستی روانی، دیدگاه‌های متفاوتی چون مکاتب رفتارگرایی، انسان-گرایی، روان‌شناسی اجتماعی و... بحث نموده‌اند. دیدگاه انسان‌گرایی بر این باور است که هر عاملی که فرد را در سطح ارضای نیازهای سطوح پایین نگه دارد و مانع شکوفایی او شود، باعث ایجاد اختلال رفتاری در وی خواهد شد. مازلو در دیدگاه انسان‌گرایی بر این باور است که نظام ارزشهای دینی فرد معتقد، برپایه‌ی پذیرش فیلسوفانه‌ی حیات اجتماعی و طبیعت و واقعیت جسمانی حیات استوار است (مازلو، 1367). در واقع بخشی عمده از قضاوت و ارزش‌گذاری‌های هر روزه این‌گونه افراد از پذیرش واقعیت سرچشمه می‌گیرد. چاهن نیز یکی از شرط‌های لازم برای دستیابی به سلامت روان را برخورداری از یک نظام ارزشی می‌داند: بهره‌مندی از یک سلسله ارزشهای شخصی مبتنی بر باورها، آرزوها و آرمانهایی که با سعادت و تحقق خود و اطرفیان فرد پیوندی نزدیک دارد و شرط لازم برای سلامت روان است (فرضیه هفتم و نهم).

روش تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات

روش مورد استفاده در این پژوهش، «پیمایش» است. این روش به عنوان پژوهشی مورد استفاده دارد که «نه در جهت ارضای کنجکاوی‌های ژرف پژوهشگر، بلکه مسأله‌ای فردی، گروهی یا اجتماعی انجام می‌پذیرد و با توجه به فوریت نتیجه‌گیری، رابطه‌ای منطقی بین کار پژوهش و جامعه پدید می‌آید و به همان ترتیب در همان زمان که محقق به پژوهش می‌پردازد، در اندیشه کاربرد دستاوردها نیز هست» (ساروخانی، 73: 1373). به منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز این پژوهش، از پرسشنامه‌ی سازمان یافته و ساخت‌مند استفاده شده است.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جمعیت این پژوهش، خانواده‌های شهر شوشتر هستند. برای انتخاب حجم نمونه از جدول لین استفاده شده که در سطح اطمینان 95 درصد و 0/05 خطای نمونه‌گیری، 453 نفر انتخاب شدند. افراد نمونه بر اساس روش نمونه‌گیری احتمالی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده اند.

فرضیات تحقیق

- 1- هرچه رضایتمندی شغلی فرد کمتر باشد، ناسازگاری زناشویی اش بیشتر می‌شود.
- 2- بین درون‌گرایی و ناسازگاری زناشویی ارتباط معناداری وجود دارد.
- 3- بین عام‌گرایی و ناسازگاری زناشویی ارتباط معناداری وجود دارد.
- 4- بین شیوه جامعه‌پذیری دموکراتیک در خانواده والدین و ناسازگاری زناشویی ارتباط معناداری وجود دارد.
- 5- بین نوگرایی و ناسازگاری زناشویی ارتباط معناداری وجود دارد.
- 6- بین میزان انعطاف‌ناپذیری و ناسازگاری زناشویی ارتباط معناداری وجود دارد.
- 7- بین میزان تعلق مذهبی و ناسازگاری زناشویی ارتباط معناداری وجود دارد.
- 8- بین میزان تقدیرگرایی و ناسازگاری زناشویی ارتباط معناداری وجود دارد.
- 9- بین بهزیستی روانی و ناسازگاری زناشویی ارتباط معناداری وجود دارد.

آمار توصیفی

از مجموع 453 نفر پاسخگو 60/5 درصد در گروه مردان قرار دارند و 39/3 درصد در گروه زنان و 0/2 درصد نیز بی جواب بودند. بیشترین تعداد پاسخگویان از نظر مدت ازدواج در گروه 8-14 سال (37/3 درصد) قرار دارند و 6/4 درصد نیز در گروه 22-28 سال. کمترین مدت ازدواج تعداد پاسخگویان را تشکیل می‌دهند. برون‌گرایی افراد پاسخگو در سطح پایین 28/9 درصد، در سطح متوسط 30/2 درصد و در سطح بالا 37/7 درصد است.

آمار استنباطی

آماره‌های مورد استفاده در این بخش ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره گام به گام هستند. جدول 12 نتیجه آزمون همبستگی پیرسون بر روی متغیرهای فاصله‌ای و نسبی با متغیر وابسته پژوهش را نشان می‌دهد.

- 1- هرچه رضایتمندی شغلی فرد کمتر باشد، تاسازگاری زناشویی اش بیشتر می‌شود. هم‌چنانکه جدول شماره 12 نشان می‌دهد ضریب همبستگی 0/149 حکایت از ارتباط قوی بین دو متغیر رضایت شغلی و ناسازگاری زناشویی دارد.
- 2- بین برون‌گرایی و ناسازگاری شغلی رابطه معناداری وجود دارد. باتوجه به نتیجه به دست آمده، ضریب همبستگی 0/101 و سطح معناداری 0/037، بین این دو متغیر رابطه مثبت وجود دارد.
- 3- بین نوپذیری و ناسازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. هیچ رابطه‌ای بین این متغیر با متغیر وابسته در پژوهش حاضر دیده نشد.
- 4- بین شیوه جامعه‌پذیری دموکراتیک و ناسازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. شیوه جامعه‌پذیری دموکراتیک با سطح معناداری 0/000 و با ضریب همبستگی 0/252-، یکی از متغیرهای مستقل تحقیق است که رابطه معناداری با ناسازگاری زناشویی دارد؛ یعنی هرچه جامعه‌پذیری دموکراتیک در سطح پایین‌تری باشد، سازگاری زناشویی هم کمتر است.
- 5- بین تقدیرگرایی و ناسازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. با ضریب همبستگی 0/231- و سطح معناداری 0/000، بین تقدیرگرایی و ناسازگاری زناشویی رابطه منفی معناداری وجود دارد.

- 6- بین عام‌گرایی و ناسازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد .
 با توجه به ضریب همبستگی $-0/273$ و سطح معنی داری $0/000$ ، می‌توان این-
 گونه بیان کرد که بین این دو متغیر رابطه منفی معناداری وجود دارد.
- 7- بین بهزیستی روانی و ناسازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد.
 با توجه به سطح معناداری $0/000$ و ضریب همبستگی $-/504$ ، می‌توان این‌گونه
 بیان کرد که بین دو متغیر بهزیستی روانی و ناسازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود
 دارد . یعنی هرچه بهزیستی روانی فرد کمتر باشد، ناسازگاری زناشویی او کمتر است .
- 8- بین میزان دینداری و ناسازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد .
 با توجه به ضریب همبستگی $-/075$ ، و سطح معناداری $0/11$ ، رابطه معناداری
 بین دین‌داری و ناسازگاری زناشویی وجود ندارد .
- 9- بین انعطاف‌پذیری و ناسازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد .
 چون سطح معناداری بین دو متغیر انعطاف‌پذیری و ناسازگاری زناشویی $0/9$ و از
 105 بزرگتر است و ضریب همبستگی نیز 1006 به دست آمده، در نتیجه بین این دو
 متغیر رابطه‌ای وجود ندارد.

جدول شماره 12: جدول ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	رضایتمندی شغلی	برون گرایی	دینداری	شیوه جامعه پذیری دموکراتیک	تقدیر گرایی	عام گرایی	نو پذیری	انعطاف پذیری	بهبودی روانی	ناسازگاری زناشویی
رضایتمندی شغلی	1									
برون گرایی	.174** .001 350	1								
دینداری	-.324* .000 353		1							
شیوه جامعه پذیری دموکراتیک	-.006 .917 364			1						
تقدیر گرایی	-.138(**) .009 364				1					
عام گرایی	.068 .198 364					1				
نو پذیری	-.166(**) .001 364						1			
انعطاف پذیری	-.054 .305 364							1		
بهبودی روانی	-.061 .248 362								1	
ناسازگاری زناشویی	.149(**) .004 364									1

**P<0/01 *P<0/05

همچنان که جدول نشان می‌دهد از میان متغیرهای مستقلی که در سطح مختلف وارد رگرسیون چندمتغیره شده‌اند و با توجه به آنالیز اطلاعات به دست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS و رگرسیون دو متغیره و چندمتغیره، بین متغیرهای مستقل رضایتمندی شغلی و برون گرایی با ناسازگاری زناشویی (متغیر وابسته) ارتباط معناداری به دست آمده است. همچنین بین میزان نوگرایی، شیوه جامعه‌پذیری دموکراتیک، میزان تقدیرگرایی، میزان عام‌گرایی، بهزیستی روانی و میزان تعلق دینی با متغیر وابسته ارتباط معنادار و معکوس مشاهده شده است. از متغیرهای مستقلی که در سطوح مختلف وارد رگرسیون چند متغیره شده‌اند، متغیر بهزیستی روانی به عنوان اولین متغیر وارد معادله شده است. تأثیر این متغیر در کنار دیگر متغیرها بر متغیر وابسته، با بتای حاصله $-0/521$ است و ارتباط بین دو متغیر از نوع منفی است که در واقع به معنای تأیید فرضیه پژوهش محسوب می‌شود. با توجه به نتایج می‌توان گفت که به ازای یک واحد کاهش در

بهزیستی روانی، $0/527$ افزایش در متغیر وابسته یعنی ناسازگاری زناشویی را خواهیم دید. به عبارتی کاهش در متغیر مستقل به افزایش در متغیر وابسته را در پی دارد. ضریب تعیین 27 درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند. سطح معناداری این متغیر $0/000$ است. متغیر مستقل بعدی که وارد معادله رگرسیون شده، متغیر تقدیرگرایی است. ضریب تعیین این متغیر، $0/402$ و به این معناست که حدود 40 درصد از تغییرات در متغیر وابسته توسط این متغیر قابل تبیین است. بتای به دست آمده $0/362$ ، میزان تأثیر این متغیر بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد. نوع ارتباط به دست آمده از نوع منفی است. به عبارتی کاهش در متغیر مستقل، افزایش در متغیر وابسته را در پی دارد. ضریب تعیین 40 درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند. این در سطح $0/000$ معنی‌دار است. سومین متغیر مستقل بعدی که وارد معادله رگرسیون شده متغیر شیوه جامعه‌پذیری دموکراتیک است. ضریب تعیین این متغیر، $0/429$ و به این معناست که حدود 42 درصد از تغییرات در متغیر وابسته توسط این متغیر قابل تبیین است. بتای به دست آمده $0/174$ ، میزان تأثیر این متغیر بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد. نوع ارتباط به دست آمده از نوع منفی است. به عبارتی کاهش در متغیر مستقل افزایش در متغیر وابسته را در پی دارد. ضریب تعیین 42 درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند. این رابطه در سطح $0/000$ معنادار است. چهارمین متغیر مستقلی که وارد معادله رگرسیون شده متغیر رضایت‌مندی شغلی است. ضریب تعیین این متغیر، $0/445$ و به این معناست که حدود 44 درصد از تغییرات در متغیر وابسته توسط این متغیر قابل تبیین است. بتای به دست آمده $0/126$ ، میزان تأثیر این متغیر بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد. نوع ارتباط به دست آمده از نوع مثبت است. به عبارتی افزایش در متغیر مستقل با افزایش در متغیر وابسته همراه است. ضریب تعیین 44 درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند. این رابطه در سطح $0/002$ معنی‌دار است. پنجمین متغیر مستقلی که وارد معادله رگرسیون شده، متغیر دینداری است. ضریب تعیین این متغیر، $0/459$ به دست آمده و به این معناست که حدود 45 درصد از تغییرات در متغیر وابسته توسط این متغیر قابل تبیین است. قابل ذکر است که متغیرهایی که وارد رگرسیون چند متغیره نشده‌اند (به عنوان متغیرهای خارج از معادله محسوب می‌شوند)، برون‌گرایی، نوظیری و انعطاف‌پذیری هستند که نتایج نشان داد که سطح معناداری هیچ کدام از آنها از آلفای مورد نظر در این پژوهش ($0/05$) کمتر نیست و لذا خارج از معادله قرار گرفته‌اند.

جدول شماره 13: رگرسیون متغیرهای وارد شده به معادله

متغیر	R	R2	B	Beta	T	sig
بهبودی روانی	0/527	0/271	-1/43	-/521	-11/15	0/000
تقدیر گرایی	0/634	0/402	-1/21	-/362	-8/53	0/000
شیوه جامعه پذیری و دموکراتیک	0/655	0/429	-0/89	-/174	-4/011	0/000
رضایتمندی سیاسی	0/667	0/445	0/17	/126	3/04	0/002
دینداری	0/677	0/459	0/15	/136	2/93	0/004
عام گرایی	0/685	0/469	0/34	0/132	2/57	0/01

جدول شماره 14: رگرسیون چند متغیره- متغیرهای خارج از معادله

نام متغیر	Beta in	t	sig
برون گرایی	0/036	0/548	0/584
نوپذیری	0/002	0/039	0/96
انعطاف پذیری	0/030	0/635	0/52

بحث و نتیجه گیری

از اولین دوره پیدایش مباحث اجتماعی، بیشتر فلاسفه خانواده را " سلول جامعه " و سنگ بنای جامعه نامیدند. این تفکر در میان صاحب نظران علوم جدید- به خصوص جامعه‌شناسان و روانشناسان- نیز تداوم یافت و گذر زمان، اهمیت خانواده به عنوان یکی از نهادهای اصلی و مهم جامعه را نمایان تر کرد. توجه فزونی نسبت به این نهاد را هم بر دلایلی بنیان نهادند که مهم‌ترینش، نقش خانواده در تکوین ساختار شخصیت فرد بود. به باور مردم شناسان، روان شناسان، روانکاوان و جامعه‌شناسان، هسته اولیه شخصیت فرد در خانواده شکل می‌گیرد و دیگر نهادهای اجتماعی همچون آموزش و پرورش یا حکومت، نقشی ثانوی در این زمینه دارند؛ بنابراین، هر چه محیط خانواده سالم‌تر باشد، محیط جامعه هم به واسطه وجود افراد متعادل، سالم‌تر خواهد بود. بر همین اساس، جامعه‌شناسان انواعی از خانواده (خانواده نامتعادل، خانواده شکسته، خانواده متلاشی، خانواده پویا و...) (ساروخانی، 1381؛ عباسی و حاجی آقایی، 1389) و هم چنین عوامل مهم تعادل بخش یا مختل کننده تعادل خانواده را معرفی کردند. این تلاشها، صرف نظر از نوع جامعه (ابتدایی، سنتی و مدرن) ادامه دارد لیکن، جامعه معاصر و به همین اهمیت، خانواده معاصر ایران، به واسطه مبتلا شدن به «مسائل» و مشکلات بسیار، موضوع پژوهش‌هایی هم قرار گرفتند.

فراتر از یک قرن است که تحولات جهانی بر جامعه ایران هم تأثیر گذارده و ساختارهای اساسی و کلان این جامعه را دچار تحول و دگرذیسی اساسی کرده است. مباحث گذار از «سنت» به «مدرنیسم» در همین راستا مطرح شده‌اند و تئورسین‌ها بر آنند تا ضمن تبیین این مرحله‌ی گذار، با توجه تجربه تاریخی کشورهای مدرن، مشکلات و مسائل اجتماعی ذاتی این مرحله تاریخی را پیش بینی کرده، دست کم از شدت و حدت آن بکاهند. مدرن شدن جامعه به معنای شهری شدن، صنعتی شدن و اضمحلال نهادهای سنتی، معضلاتی هم چون خودکشی، افزایش مشکلات روحی و روانی، عزلت و انزواگزینی، فرد گرایی افراطی، اختلال در نظم نهادهای اجتماعی به خصوص خانواده و... را در متن و به دنبال خود دارد و پیداست که گذر از این مرحله جامعه ایران را هم با مشکلاتی از این دست مواجه کرده و می‌کند. در این تحقیق برخی از متغیرها مانند برون گرایی، تقدیرگرایی، عام گرایی و نوگرایی، برای اولین بار در موضوعی با رویکرد ناسازگاری میان زوجین مورد استفاده قرار گرفتند. ارتباط متغیر رضایتمندی شغلی با ناسازگاری زناشویی معنادار است؛ در حالی که در تحقیق شهرباف (1379) هیچ ارتباطی میان این دو متغیر مشاهده نشده است. در تحقیق حاضر، متغیر بهزیستی روانی ضمن داشتن ارتباط معنادار و معکوس، بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته نشان داده، در حالی که در تحقیق درویزه و کهکی (1387) ارتباط، مستقیم و معنادار به دست آمده است. همچنین، متغیر شیوه جامعه پذیری دموکراتیک در این تحقیق، به طور معنادار و معکوس با ناسازگاری زناشویی در ارتباط است. نتیجه‌ای که قبلاً در تحقیق وینچ و همکارانش (2001) نیز مشاهده شده است. همچنین، در پژوهش اداره بهداشت عمومی امریکا (1980)، سلامت روانی به عنوان یک بعد از بهزیستی روانی با رضایتمندی زناشویی مرتبط نشان داده شده است. چنانکه قبلاً اشاره شد، این متغیر در پژوهش حاضر، ارتباط معنادار و البته معکوسی با متغیر وابسته داشته است. نتیجه به دست آمده در این تحقیق در ارتباط میان میزان تعلق دینی با ناسازگاری زناشویی، معکوس و معنا دار است، در حالی که در پژوهش ویلسون و فستینگر (1996) ارتباط مستقیم به دست آمده است. در این پژوهش 9 فرضیه به آزمون گذاشته شدند. در این میان، متغیرهای بهزیستی روانی، تقدیرگرایی، شیوه جامعه‌پذیری دموکراتیک، رضایتمندی شغلی، دین‌داری و عام‌گرایی در معادله رگرسیون دارای تأثیراتی بر متغیر

وابسته یعنی ناسازگاری زناشویی هستند. اطلاعات ما نمایانگر سطح ناسازگاری زناشویی نمونه انتخابی در شهرستان شوشتر است و نشان می‌دهد که وضعیت بحرانی است.

راهکارها

پژوهش حاضر در شهرستان شوشتر با نمونه‌گیری از خانواده‌ها در سطح شهر انجام شده است؛ گرچه نتایج آن را می‌توان قابل تعمیم دانست، لیکن لازم به یادآوری است که شوشتر، شهری است با حاکمیت روحیه دینی و مذهبی در سطح متوسط و مناسک‌گرایی بسیار بالا و تنوع و ترکیب قومی؛ بنابراین در تعمیم نتایج بایستی این سه فاکتور مهم در نظر گرفته شوند.

با توجه به اطلاعات جدول میزان ناسازگاری در شهرستان شوشتر و متغیرهای مستقل مؤثر بر این وضعیت، راهکارهای اجرایی زیر به گونه‌ای خلاصه ارائه می‌شوند:

- مسؤولان استانی و شهری به انحاء مختلف تلاش کنند تا از طریق آموزش و پرورش و انجمن اولیا و مربیان روحیه انعطاف‌پذیری را در دانش آموزان و والدینشان افزایش دهند.

- رسانه‌های محلی مانند روزنامه‌ها و تلویزیون شبکه خوزستان، لازم است در نفی تقدیرگرایی، مطالب و برنامه اشاعه دهند.

- سازمان آموزش و پرورش می‌تواند- و باید- آموزگاران، معلمان و دبیران را با برپایی سمینارها، همایش‌ها و دیگر برنامه‌های آموزشی با مفاهیم مرتبط با عقلانیت مدرن از قبیل نوگرایی، برون‌گرایی معتدل، نقض تقدیرگرایی کور و دگماتیسم منبعث از آن آشنا کند تا آنها این مفاهیم را به قشر دانش آموزان منتقل کنند.

- از آنجایی که در شوشتر اقوام مختلفی زندگی دارند، تلاش در اشاعه روحیه عام‌گرایی و زدودن صفت روحی خاص‌گرایی، که به اعتقاد بسیاری از جامعه‌شناسان از موانع نوسازی در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود، بر عهده تمامی مسؤولین کشوری و استانی است. گنجاندن برنامه‌هایی در محتوای کتابهای درسی و تلویزیونی، منابع و جلسات مذهبی می‌تواند به این مهم کمک برساند.

- مشاهدات ما نشان می‌دهد که در این شهرستان، بر اساس روحیه مذهبی و دینداری (هرچند در سطح متوسط)، مجالس زیادی برگزار می‌گردد. سازمانهای دخیل در برپایی این‌گونه مجالس مانند سازمان تبلیغات اسلامی و ستاد برگزاری نماز جمعه، باید

- از دیدگاه‌های متخصصین روانشناسی و جامعه‌شناسی در این‌گونه اماکن استفاده کنند و در اشاعه روحیه مشارکتی در سطح خانواده‌ها و ترویج عناصر دموکراتیک بکوشند.
- وجود دانشگاه آزاد با رشته‌های متنوع در حوزه علوم انسانی، فرصت استثنایی است برای مدیران و مسؤولین ادارات، نهادها و سازمانهای این شهرستان، تا در شتاب دادن به سطح توسعه شهر از این فرصت استفاده کنند.
- به نظر می‌آید مصدر انجام پیشنهادهای بالا، استانداری خوزستان است که با در اختیار داشتن امکانات فراوان می‌تواند در کاهش این مشکلات اجتماعی نقش کارایی داشته باشد.

منابع:

- احمدی، خدابخش و دیگران(1384)، بررسی وضعیت ازدواج و سازگاری زناشویی در بین کارکنان سپاه، مجله طب نظامی، شماره 7 (2).
- احمدی، خدابخش(1382)، بررسی عوامل مؤثر بر سازگاری زوجین و مقایسه دو روش مداخله‌ای تغییر شیوه زندگی و حل مشکلات خانوادگی در کاهش ناسازگاری زناشویی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- ادیبی، حسین و انصاری، عبدالمعبود(1384)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، نشر جامعه .
- اعزازی، شهلا (1385)، جامعه شناسی خانواده، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- انصاری، عبدالمعبود و ادیبی، حسین(1385)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات جامعه.
- آزاد ارمکی، تقی(1376)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سروش.
- بروس کوئن(1375)، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه توسلی و فاضل، تهران: سمت.
- توسلی، غلامعباس(1374)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
- ثنایی، باقر و ذاکر، بهرام (1378)، نقش خانواده اصلی در ازدواج فرزندان، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، شماره 2.
- حافظ شریف، راضیه (1379)، مقایسه ویژگی‌های شخصیتی زنان متأهل شاغل و خانه‌دار و ارتباط این ویژگی‌ها با رضایتمندی زناشویی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
- ریتزر، جورج(1384)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی.
- ساروخانی، باقر(1373)، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی.
- ساروخانی، باقر(1381)، جامعه‌شناسی خانواده، انتشارات سروش.
- سایت اداره ثبت احوال کشور، 19 تیر، 1390.
- شرفخانی، جعفر و ایزدی، فرشته(1382)، بررسی تأثیر اشتغال زنان بر رضایت همسرانشان از زندگی مشترک، نشریه تازه‌های تحقیق، دوره 1، شماره 3.
- صدق‌آمیز، خدیجه(1376)، بررسی عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی در شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- عباسی، خیام و حاجی آقایی، لیلا(1389)، جامعه شناسی عمومی، نشر نوید شیراز.
- گود، ویلیام جی(1360)، خانواده و جامعه، ترجمه ویدا ناصحی، نشر شیرازه.
- گولد و کوکب(1376)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر پرهام و دیگران، چاول، انتشارات مازیار.
- محسنی، منوچهر و دیگران(1359)، گرایشها و نگرشها اجتماعی در ایران، بی‌تا، بی‌جا.
- نیکویی، مریم و سوسن سیف(1384)، بررسی رابطه دینداری با رضایت زناشویی، فصلنامه علمی-پژوهشی مشاوره، شماره 8.

- نیکویی، مریم و سیف، سوسن (1384)، بررسی رابطه دینداری با رضایت زناشویی، فصلنامه علمی-پژوهشی تازه‌های پژوهشی مشاوره، جلد 4، شماره 13.

- Bergin, A.E (1988), Psychotherapy and Religious Values. Journal of Consulting and Clinical Psychology, 48, 95-106.
- Kim, Y.M. & Others. (2004), Spirituality and Affect: A Function of Changes in Religious Affiliation. Journal of Family Psychology. Vol 13. Issue 3, 17.
- Merton, R.K & Nisbet, R. Contemporary Social Problem's. 3th edition, Harcourt Brace Jovnich, Inc. USA 1971.
- Schlesinger.B.0 (2001), Lasting & Functioning Marriage in the 1950-2011. Canadian Journals of Community Mental Health. 84.

